

جهاد صنایع: اهداف و برنامه‌ها

قسمت اول



برای ارائه تحلیل جامعی از صنعت کشور باید نخست نگرشی دقیق به نظام ارزشی حاکم بر جامعه انداخت. از نظر ما نظام ارزشی حاکم بر جامعه است که زیر ساخت اساسی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه را تشکیل می‌دهد. نظام ارزشی نیز بنیاد خود، از ایدئولوژی و مکتب منشآت می‌گیرد. به علاوه، این چهار بعد، باید به صورت همگون و هماهنگ بوده و در یک رابطه متقابل بررسی شوند. بررسی مجزای هر یک از این ابعاد، با توجه به زیر ساخت طاغوتی و نظام ارزشی کاسب کارانه و سرمایه داری، مبنای تحلیل جامعه ما در زمان رژیم منحط پهلوی بود. لذا با این دید، این چهار بعد، به صورت نامتجانم و عمدتاً مجزا به راه خود می‌رفتند.

با رشد و پیروزی مرحله اول انقلاب اسلامی، نظام ارزشی حاکم بر جامعه کاملاً دیگرگون شد. لیکن رستگاران به رژیم طاغوت، گروهکها و عناصر لیبرال، که متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اول، حکومت را بدست گرفتند، از دوک این مطلب غافل بودند. بارها این مسائل که در زمان رژیم حاکم بر جامعه ایران بررسی شده بود، جای خود را به شدت ارزشی داد. مسئله پذیری، انظام و پرستش طاغوت و طاغوتیان نفی و در عوض ارزشهای متعالی، نشأت گرفته از اسلام، جای آنها را گرفتند.

اگر چه نظام ارزشی دیگرگون شد، ولی هنوز تا تحقق عینی انقلاب، در جامعه، راه سیر طولانی در پیش بود. به سبب آنکه پیروان نظام اصیل انقلاب اسلامی، راه خود را میان راههای انحرافی باز کردند و بر بنیادهای متطهرین، گروهکهای منافق، فاسق و فاجر، اگر چه برای مدت کوتاهی بر بارها مسلط شدند لیکن طبق وعده خداوندی بالاخره رسوا گشتند و جای خود را به جریانهای اصیل میکنند دادند.

تغییر نظام ارزشی در هر یک از سازمانها و ارگانهای دولتی، سوادها، انجمنی کم و بیشی داشته است. ارگانها، نهادهای انقلابی، حرسید از بنیان انقلاب، با توجه بر این نظام، تشکیلات خود را استوار کردند. ولی سرانجامی در جای مانده از رژیم سیر، در تشکیلات رسمی نبود.

بدلانی چند، طلبا توانستند تغییری بسازی دهند. لذا تشکیلات های شیرینجی ای در اینگونه سازمانها ایجاد شد که مورد حمایت انقلاب اسلامی بود. از جمله این ها می توان انجمن ها و شوراهای اسلامی را در سازمانها و واحدهای صنعتی نام برد. در اینجا که بنگونه تشکیلات، به بررسی در این سازمانها در هفتاد با مسئولیت سازمان و تشکیلات رسمی، برتصاد بودند. لذا دائما اصطکاک و درگیری بین این دو جریان بوجود آمده است. در این درگیری و برخورد است که عناصر مؤمن و متعهد، خود را نشان می دهند و از تجربه ای که از این امر بدست می آورند، برای پیشبرد اهداف انقلاب استفاده می کنند. رشد انقلاب و پیشبرد آنرا تنها می توان در

*** صنعت سالم کشور باید از نظر جامعه شریک و متکی بر زمینه های تولید داخلی بوده و سعی در تولید محصولاتی بنساید که پاسخگوی نیازهای محرومین جامعه باشد.**

رشد ارگنها و نهادهای انقلابی جشن گرفته با میدان دادن و به صورت رساندن این ارگنها و نهادها است که می توان سیستم حکومتی جمهوری اسلامی را آسیب ناپذیر نمود و تا نکتی بر این اصل است که ما نظام خود را در جهاد

صنایع بسوی انجمن ها و شوراهای اسلامی معطوف کرده ایم. عمده تکیه گاه ما در صنعت، این نهادهای انقلابی متشکل از کارگران و کارکنان مؤمن و متعهد به انقلاب اسلامی می باشند.

رشد نهادهای انقلابی در صنعت، باید آگاهانه و حساب شده صورت گیرد. استراتژی عمل را به سه صورت می توان ترسیم کرد:



هم سعی در تغییر سیستم بصورت ایده آل را بنمایند.

با استناد به این تحلیل است که مادر حرکت خود در صنعت کشور، هم در سطح مراکز تصمیم گیری بکمک مسئولین شتافته و هم در سطح کارخانجات و واحدهای صنعتی به رشد نهادهای انقلابی و دادن اختیارات بیشتر به آنها و گذراندن ایشان از مراحل مختلف مبارزه مکنبی در راه تحقق هر چه بیشتر آرمانهای انقلاب اسلامی کمک می نمایم.

از نظر ما برای رفع مسائل و مشکلات حاکم بر صنعت کشور، باید پنج مسأله عمده را مدنظر قرار داد:

۱- مسأله زمینه مناسب صنعتی و ساخت آن.
۲- مسأله فرهنگی جهت تعیین نظام ارزشها.

۳- مسأله مدیریت و برنامه ریزی.

۴- مسأله آموزش و سازماندهی.

۵- مسأله سیاسی و صنعتی.

حال، این پنج مورد را بترتیب مورد بررسی قرار می دهیم.

الف- زمینه مناسب صنعتی و مساحت آن

در زمان رژیم طاغوت، صنایع بسیار در کشور شیوع یافت. بطوریکه کار به جایی رسید که صنایع دستی، سنتی و نیمه ماشینی راهی جز فنا و نابودی نداشت. صنعت بیمار ما با اسکا به درآمدهای نفت و وامهای کلان

کشاورزی نبود، بلکه وسیله ای در جهت نابودی آن گشت.

یکی از دلایل اینکه صنایع کشور در حال حاضر نیازهای واقعی جامعه را برآورده نمی کنند، این است که برای جامعه «شربخش» نیستند. حال آنکه آبیاری مسکن است در بعضی موارد دارای «کارایی» خیلی خوب هم باشند. مردم از صنعت این انتظار را دارند که حداقل امکانات مالی ایشان را جذب کند و پاسخ گوی نیازهای مصرفی معقول ایشان باشد. به عبارت دیگر محصولات را تولید کند که مفید بحال مملکت بوده و از طرفی، از نظر فنی و تکنولوژیک، متناسب با بافت های اجتماعی باشند «شربخش» و «کارایی»، دو مفهوم کلی هستند که هر کدام را اصل بگیریم، دیگری متغیر تبعی آن خواهد بود. در رژیم گذشته و حتی در پیش گروهي از گردانندگان صنعت فعلی ما، «کارایی» در صنعت اصلی است و «شربخش» فرع ولی از نظر ما، مسأله دقیقا معکوس است. شربخش اصلی بوده و کارایی متغیر تبعی آن می باشد. بعنوان مثال، در پیش غیر اصولی نخست، در استان زرخیزی مثل سیستان، برای ایجاد کارخانه تولید ماشین آلات سنگین، اگر عواد اولیه، انرژی و آب این قیل مناسب باشد، باید حتما این کارخانه را تاسیس کرد. ولی از نظر ما، پیش مردم این ناحیه نسبت به این کارخانه، نقش بسیار مهمی را در وجود آن ایفا می کند تا این علامت سؤال در ذهن مردم ناحیه هست که این کارخانه به چه درد می خورد؟ نمی توان انتظار شربخشی از

* رشد انقلاب و پیشبرد آنرا تنها میتوان در رشد ارگانها و نهادهای

انقلابی جستجو کرد بامیدان دادن به قدرت رساندن این ارگانها و نهادها است که میتوان سیستم حکومتی جمهوری اسلامی را آسیب ناپذیر نمود

کارخانه داشت. در حالی که مردم این استان، حتی با ابزارهای ساده ماشینی بسکانه اند. بطور می توان صنعت تولید ابزارهای سنگین و مادر را ایجاد نمود؟ کادرفنی و کارگران آن واحد را از کجا باید تامین کرد؟

پیش غیر اصولی انتظار پاسخ می دهیم که پرسنال مورد نیاز را از نیروهای غیر محلی تامین کرده و به عبارت دیگر کارخانه را بصورت سیستمی بسته، بدون ارتباط متقابل با محیط و جامعه در نظر می گیریم. در این حالت است که از نظر ما، چنین سیستمی، دارای ماکتور اطمینان بسیار پائین بوده و در صورت ایجاد کوچکترین تزلزل در هر یک از اجزاء آن (علی الخصوص مسائل تدارکاتی، مالی و تکنولوژیک)، کل در پی بریزد.

جهانخواران، بوجود آمد. وظیفه آنها، استفاده از نیروی انسانی، منابع و بودجه فراوان کشور بود و کلاههای سددرد صد ضرفی را تماما مونتاژ کرده و در حقیقت بازاری برای تولیدات کشورهای سلطه گر عالم بوجود آورده بود. استفاده از سرمایه های هنگفت، تکنولوژی بسیار پیشرفته، استفاده از کارشناسان خارجی و تمسک به هر وسیله از جمله تبلیغات برای سودجویی بیشتر مملکت، پیشرفت و ترقی صنعت ما بود. به این ترتیب بود که زمینه برای نابودی کشاورزی ما هم فراهم شد. با ایجاد جاذبه های صنعتی و شهری، روستائیان از دهات آواره شدند و سیر مهاجرت از روستا به شهر آغاز گردید. قطب های فقیرترین در جوار شهرهای بزرگ ایجاد گردید. این شد که صنعت ما نه تنها بعنوان مکتول

اول - دیگرگونی بنای سیستم و حمایت آن از طریق مراکز قدرت و برپایی سیستم جدید بانکیه بر ارزشهای نوین.

دوم - رشد مرحله ای نهادهای انقلاب در کنار سازمانهای رسمی و جایگزینی تدریجی آنها.

سوم - ایجاد ترکیبی از نیروهای متعهد و مکنبی در سازمان رسمی و تکیه بر قدرت فعال نیروهای متعهد و کارائی نیروهای متخصص بطور توأم.

از نظر ما تلفیقی از روش اول و دوم ایده آلترین روش است. بدین گونه که حرکتی همه جانبه و بنیاد کن، در سطح مراکز قدرت صورت گرفته و کلیه نیروهای مؤمن و متعهد به انقلاب در رأس امور جایگزین شوند. پس از آن این نیروها، به همراه نهادهای انقلابی و بکمک



جهاد صنایع: اهداف و برنامه‌ها

تورود و از طرف دیگر، فرهنگ بی‌شد و باری و فساد را که نشانه تمدن غرب بود، ترویج می‌شودند.

ارزشهای متعالی در اسلام که به مکتب و روحانیت بعنوان ضامن حفظ و بقای اسلام و انسان بعنوان خلیفه الله در زمین داده می‌شود، بازدهی جای خود را به پرستش طاغوت، قبول ظلم، خرافات و موهوم پرستی و شیره داده بود. این ارزشها در طی چندین قرن در فرهنگ جامعه ما رسوخ داده شده بود. دفع این مفاسد و ترویج فرهنگ اصیل اسلامی در جامعه ضروری می‌شود. لذا حرکت فرهنگی در سطح جامعه دقیقا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز گردید. یافتن های صنعتی در کایخانجات ما، بعنوان یکی از ابعاد اجتماع امروز، نیازمند تغذیه فرهنگی هستند.

در گزارش دومین سمینار سراسر جهاد آمده است که «کار فرهنگی در جامعه اسلامی عبارت است از ارشاد و آگاهی دادن مردم در جهت رهایی از ارزشهای طاغوتی و تحقق ارزشهای خدائی و فرهنگ اسلامی». به عبارت دیگر، کار فرهنگی ادامه راه انبیا و تبلیغ رسالت است. اینجاست که به ارزش و اهمیت کار فرهنگی پی

بقیه در صفحه ۴۶

جهاد

اگرچه قطب های خودکفای صنعتی باید تجربه وار، در ارتباط با هم باشند و حتی المنبور باید سعی کنند که اصول اخلاقی در سطح رفتاری آنرا که صنایع و کشاورزی منطبق با خود نباید و این نوع دربر طیفه مجرا با امکانات رفاهی مختلف قرار بگیرند. زیرا خود این مساله شامل اساسی رشد کاذب صنعت و نابودی کشاورزی می‌باشد. بطور خلاصه، صنایع سالم ما باید مکمل کشاورزی و کشاورزی سالم ما مکمل صنعت باشد. هر ترکیبی غیر از این، باسالی تالی خواهد شد و به انحراف جامعه از مسیر تعالی الهی آناه خواهد انجامید.

با مساله فرهنگی و تغییر نظام ارزشی:

رژیم محض شاهنشاهی در طول چندین قرن، بخصوص در دو سده اخیر، بطور کامل حساب شده و با سیاستی که از طرف دولت‌های جهانخواه دیکته می‌شد، با دقت فراوان و یادکرد این نکته که همانا فرهنگ اصیل اسلام در این مرز و بوم ریشه عمیق دارد، از طرفی سعی در انحراف خط اصیل اسلام از مسیر واقعی خود

سیستم از هم خواهد پاشید. مناسبانه اغلب واحدهای صنعتی ما در حال حاضر به این درد مبتلا هستند.

صنعت سالم کشور باید از نظر جامعه تعریض و مکتبی بر زمینه های تولید داخلی بود و سعی در تولید محصولات بیگانه که پاسخ گوی نیازهای محرومین جامعه باشد. آنکه به درآمدهای داخلی حاصل از دستخورد مردم و نگاه به تولیدات داخلی، خصوصاً بر زمینه های کشاورزی، دامپروری، مواد غذایی و دارویی، از مهمترین مواردی است که برای ایجاد صنعت سالم باید در نظر گرفته.

صنعت سالم باید از روستاها پا گرفته و ناشهر و مناطق صنعتی امتداد یابد. این صنعت باید متناسب با سطح پیشی قومی منطقه، سازگاری منطقه و امکانات موجود، برپای گردد. ایجاد قطب های صنعتی به آن مفهوم که امروزه مصطلح است، نمی‌تواند موثر و مفید باشد بلکه باید سعی در ایجاد واحدهای صنعتی کوچک در مناطق مستعد بصورت قطب های خود کفا نمود. بطوریکه مجموعه این واحدهای کوچک، نیازهای منطقه خود را از نظر مصرف تامین کرده و از امکانات منطقه استفاده نماید و علاوه زمینه اشتغال به کار اهالی را نیز فراهم آورند.

صفحه ۳۳

جهد صنایع: اهداف

منی برین
خط منی جهاد در رابطه با کار فرهنگی در مراکز کارگری شرح زیر است:
- برقرار نمودن رابطه با انجمن های اسلامی.
- گذاشتن کلاسهای انجمنی برای افرادی که از میان انجمن های اسلامی انتخاب می شوند.
- شناسائی افراد مؤمن و صادق این مراکز و جذب آنها جهت همکاری در جهاد.

ایجاد جریانهای فرهنگی در صنعت، به طوریکه ادامه یابد تا تمام مراکز صنعتی را گرفته و به رشد بزرگهای کارگر و فعال جوان ایشان در جهت انقلاب کمک کند. با توجه به این پیش است که جهاد صنایع در بنوا بر هدف مرحله ای خود را که تکیه بسیاری بر روی آن دارد، فعالیت فرهنگی در کارخانجات و واحدهای صنعتی قرار داده و با حداکثر امکانات، در این زمینه به پیش می رود.

عده فعالیت خویش را در بخش فرهنگی به دو بخش «خاص» و «عموم» تقسیم کرده ایم. فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی در سطح عام، برای تمام اقشار موسسات صنعتی و همه گیر می باشد. فعالیت های «خاص» ما، اختصاص به انجمن ها و شوراهای اسلامی کارخانجات دارد و از طریق فعالیت نزدیک و همه جانبه، در کار سازی برای آینده جهاد سازندگی و خدمت به انقلاب خواهیم داشت.

آیادین امری

اسلام است و رابطه انسان هم رابطه بدن و عالی در یک نفس انسانانه مانند کلاسی و طبیعی، رنگی، بلکه همه یک جسم می باشد و بی بر حسب زمان، همان نفس و از هر کلاسیک بالاتر صورتی کاملتر بیانی می کنند پس تفاوت تفاوت مراتب دیگر نفس است در مراتب نفسانی صیغه الله یعنی رنگ و نور است و جسم و نور بهتر از خدا می تواند رنگ برزند یا به عبارت دیگر این رنگی است طبیعی که خدا به بشر زنده به رنگ مصنوعی مانند آبی که رنگ طبیعی دارد مانند سفیدی گچ و رنگ موی بز که با سفیدی یا بور است و گفته نمی شود که چرا موی بز سفید است، صیغه الله پس چنین است یعنی رنگ خدایی و طبیعی دارد به مصنوعی و این گفته قرآن درست است عقاید است که مشاهده در واقع با جهل می دانستند و می خواستند، و این یک رنگ مصنوعی برزند، قرآن می گوید هر رنگ دین رنگ طبیعی و الهی و ذاتی است آنچه در تعبیر آمده است که این تعبیر شمس را در تعبیر

مسیحیان نیز هست چون مسیحیان می گفتند که تا شخص غسل تعمید نکند و با زرتشتیان می گفتند شخصی تا کمرش زرتشتی بلند نمی تواند مسیحی با زرتشتی شود و شرط لازم مسیحی شدن و زرتشتی شدن غسل تعمید و بستن کمر است و این قرآن می گوید این اعمال مهمل است و رنگ است که خدا داده و آن رنگ خدایست و این تعبیرات تعبیرات قرآنی است و ایات دیگری نیز هست که دلالت بر فطری بودن دین می کند یک حدیث معروف نبویست که شیعه و سنی هر دو آنرا نقل کرده اند و از مسلمات اسلام است که پیامبر فرمود:
«کل مولود یولد علی الفطره حتی ان ابواه یهودونه و یمنونه و یمجسانه» یعنی هر نوادی از هر خانواده ای در هر کشور با محیطی وقتی زاده می شود بر فطرت اسلامی زاده می شود بر فطرت قرآنی بوده است و معرفت حق تعالی اما بعد پس و پیش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی می کنند و پدر و مادر را با خط نقشان

بیشتر گفته است اما عوامل خارجی هم مطرح است، درحالیکه نظریه مادی است که آدم بیدین بدنیا می آید و فقر و سرگویی شهوت و جهل او را متدین می کند، درحالیکه پیامبر (ص) میگوید هر کس فطرتا در حال زادن متدین بار می آید بعد بیدین و یا متدین انحرافی میشود سپس ادامه این حدیث چنین است: اینکه پدر و مادرها دین فرزند را تغییر میدهند مانند چیزی است که شما حیوانات را تغییر میدهند مایل علامتی که بر گوسفند، روی دنبه آن می زنند و با اینکه در خراسان گوشت گوسفند را شکاف میدهند و یا بعضی سوراخ و بعضی جدا می کنند و به آن (درسم) می گویند و پیامبر فرمود: شما تا بحال بچه یک حیوانی را دیده اید که گوش بریده بدنیا بیاید یعنی اسلامیت، هر سلامت فطرت چیز دیگری نیست، یهودیت و نصرانیت و غیره یک عملی است که از خارج صورت می گیرد و فطرت را تغییر میدهد.

ادامه دارد

مسافرتی نامعلوم

که با شما اینطور رفتار میکنیم
مجلدا سوار شدیم و راه افتادیم و من فهمیدم که در حال در طول راه ما را نخواهند در مسیر خود محلی رسیدیم که در راه تیر و مرداد هنوز در آنجا برف وجود داشت و تقریباً بصورت یخچال همیشه برف داشت یک وانت نیز برفها را قالی برسد و برای حمل محلی بار میبرد که بعد فهمیدیم برای فروش و مصرف بنوسود میرند یکی از افراد رفت و بیک قالب از برف و یخ را گرفت و آورد و با چاقو آنرا تقسیم کردند یک قسمت هم به ما
آوردند شد که افراد شروع کردند به خوردن آن و ما هم تعارف کردند.
ادامه دارد.

جهد وزارت نیرو

کامل ساختمان نیروگاه میناب و جرارت هوای محبت، نوله کسی دیزل ها چند ماه بعد شروع خواهند شد.
از اقدامات سازندگی دیگر جهاد وزارت نیرو میتوان از روی فولداسیون فرادان سه دستگاه دیزل ژنراتور ۱۵۰۰ کیلو وات در جزیره ابوموسی و سه دستگاه ژنراتور مانور دیگر و احداث کانال های کابل کشی، کانال حفر قرقره ۵۰۰ متری ۲۰ کیلو وات در جزیره ابوموسی، نقش برداری و نقشه طرح برق رسانی رتبه لاریجان و ۱۰ روستای اطراف را نام برد.

کارهای این جهاد می تواند طول این خط صد کیلومتر می باشد که به واسطه عدم تهیه لوازم، اجرای ۲۵ کیلومتر آن را میسر است اما کارهای اجرایی خط راه بری هرزگان به اتمام رسیده و مورد بهره برداری نیز قرار گرفته است که نصب دومرحله اتو پمپ هر سه کانال ۳ دستگاه برق به میناب برسانند.
همچنین احداث ۵ دستگاه فولداسیون برای دیزلهای ۱۱۰۰ کیلو وات در میناب و بنتر جاسک، حمل و نصب سه دستگاه دیزل ژنراتور ۱۱۰۰ کیلو وات در میناب از دیگر کارهای جهاد وزارت نیرو است که به علت آماده